

# دربارهٔ دافا

(لونیو)

دافا خرد آفریدگار است. سنگ‌بنای آفرینش است؛ آن چیزی است که آسمان‌ها، زمین و جهان براساس آن بنا نهاده شده است. همه چیز را در بر می‌گیرد، از بی‌نهایت کوچک تا بی‌نهایت عظیم؛ در حالی که در هر یک از سطوح هستی بدن کیهانی، به گونه‌ای متفاوت متجلی می‌شود. از ژرفای بدن کیهانی، ابتدا ریزترین ذرات پدیدار می‌شوند و در پی آن، لایه‌لایه‌های ذرات بی‌شمار در اندازه‌های گوناگون، از کوچک تا بزرگ، تا سطوح بیرونی‌ای که بشریت می‌شناسد، یعنی اتم‌ها، مولکول‌ها، سیارات و کهکشان‌ها؛ و ورای آنها و نیز آن چیزهایی که بازم بزرگترند. ذراتی با اندازه‌های گوناگون، موجودات و نیز دنیاهایی در اندازه‌های گوناگون را می‌سازند که در بدن‌های کیهانی پخش هستند. موجوداتی که در هر یک از سطوح گوناگون این ذرات هستند، این‌طور درک می‌کنند که ذرات موجود در سطح بزرگتر بعدی، سیاراتی در آسمان‌شان هستند، و در تک‌تک سطوح به همین شکل است. برای موجودات در هر یک از سطوح گوناگون این جهان، این تا بیکران ادامه دارد. این دافا بود که زمان و مکان، انبوه موجودات و گونه‌ها و همهٔ آفرینش را پدید آورد؛ هر چیزی که وجود دارد، مرهون آن است و هیچ چیزی بیرون از آن نیست. تمام این‌ها، تجلیات ملموس ویژگی‌های دافا یعنی جن، شن، رن، در سطوح مختلف است.

ابزار مردم برای کاوش فضا و بررسی حیات هر اندازه هم که پیشرفته باشد، دانش به‌دست آمده، محدود به قسمتی از این بعدی است که موجودات بشری در آن وجود دارند، یعنی سطح پایینی از این جهان. در طول تمدن‌های ماقبل تاریخ، انسان‌ها سیارات دیگری را کاوش کردند. اما بدون توجه به ارتفاع و مسافت پیموده شده، بشر هنوز از عهدهٔ این برنیامده است که از بعدی که در آن وجود دارد، خارج شود. تصویر حقیقی جهان برای همیشه خود را از بشر پنهان می‌کند. اگر یک موجود بشری بخواهد اسرار این جهان، مکان-زمان، و بدن بشری را درک کند، باید تزکیه در یک روش راستین را برگزیند و به روشن‌بینی حقیقی دست‌یابد و سطح وجودش را ارتقاء دهد. در این صورت از طریق تزکیه، خصوصیات اخلاقی‌اش والا می‌شود و هنگامی که بتواند نیکی واقعی را از شرارت و خوبی را از پلیدی تشخیص دهد و فراسوی سطح بشری برود، حقایق این جهان و موجوداتِ سطوح و بعدهای دیگر را می‌بیند و به آنها دسترسی پیدا می‌کند.

با آنکه مردم اغلب ادعا می‌کنند فعالیت‌های علمی‌شان برای این است که «کیفیت زندگی را بهبود بخشند»، اما این رقابت فناورانه است که آنها را به پیش می‌راند. و در بیشتر موارد، این فعالیت‌ها بر این اساس انجام شده است که مردم الهیات را کنار گذاشته و اصول اخلاقی لازم برای خویشنداری را رها کردند. به همین دلایل بود که تمدن‌های گذشته بارها ویران شدند. کاوش‌های مردم به‌ناچار محدود به این دنیای مادی است، و این شیوه‌های کاوش به‌گونه‌ای هستند که صرفاً آنچه پذیرفته شده، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در خصوص چیزهایی که در این بعد بشری ناملموس یا نامرئی هستند، اما به‌طور واقعی وجود دارند و خودشان را در این دنیای حاضر، به شکل‌های واقعی هویدا می‌کنند، همچون معنویت، ایمان، سخن الهی و معجزات؛ مردم هرگز جرأت نمی‌کنند به آنها نزدیک شوند، چراکه آنها الهیات را دور انداخته‌اند.

اگر نژاد بشر بتواند منش، رفتار و تفکر خود را برپایهٔ ارزش‌های اخلاقی بهبود بخشد، آنگاه امکان‌پذیر خواهد بود که تمدن پایدار بماند و حتی دوباره معجزات در این دنیای بشری روی دهند. بارها در گذشته، فرهنگ‌هایی که نیمه‌خدایی-نیمه‌بشری بودند، در این دنیا

ظاهر شدند و به مردم کمک کردند به درک درست‌تری از زندگی و جهان برسند. درحالی که دافا اینجا، در این دنیا متجلی می‌شود، وقتی مردم احترام و تکریم مناسبی به آن نشان دهند، خودشان، نژادشان یا ملیت‌شان از برکت و سربلندی بهره‌مند خواهند شد. این دافا، راه بزرگ جهان بود که بدن کیهانی، جهان، زندگی و تمام آفرینش را پدید آورد. هر موجودی که از دافا منحرف شود به‌راستی تباه است. هر شخصی که بتواند مطابق با دافا باشد به‌راستی فرد خوبی است و با سلامتی و شادمانی پاداش داده می‌شود. و هر تزکیه‌کننده‌ای که بتواند با دافا یکی شود، موجودی روشن‌بین است، موجودی خدایی.

لی هنگ‌چی

۲۴ مه ۲۰۱۵

به‌روزرسانی ترجمه: ۲۷ مرداد ۹۴